

جاسوس استورم

این کتاب جلد اول شرح زندگی و خاطرات مورتن استورم، جوانی دانمارکی از قاچاق، مسلمان شدن و سلفی‌گری تا ارتداد، جاسوسی و کشتن بزرگان القاعده است. مورتن استورم در خانواده‌ای پرنش به دنیا آمده، روند تحصیلی بسیار ناموفقی داشته و پس از آن در نوجوانی وارد گروه‌های خلافت‌کار شده، کارش به زندان کشیده، بعد طی اتفاقی با اسلام آشنا و مسلمان شده است. شاید به نظر برسد که این می‌تواند پایان ماجرا باشد اما داستان جاسوس استورم اینجا پایان نمی‌پذیرد. کمی بعد مسیر زندگی او را به انگلستان و بعد به یمن می‌کشاند. اما



این هم پایان ماجرا نیست، استورم بدون دین که مسلمان شده، به زودی سلفی و سپس تکفیری می‌شود اما باز هم ماجرایش طوری پیش می‌رود که با شبهه‌ای بسیار سست - که می‌شود آن را کاملاً «آبکی» نامید - مرتد می‌شود. ارتداد هم باعث تغییر موضع او می‌شود و دست او را در دست چند سرویس اطلاعاتی می‌گذارد و «مراد استورم تکفیری» تبدیل می‌شود به «جاسوس استورم» و کار همکاری اطلاعاتی هم به همکاری امنیتی و کمک به ترور یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شخصیت‌های القاعده، انور العولفی، منجر می‌شود. این کتاب برای کسانی که دنبال هیجان و البته فراز و فرودهای شخصیت هستند اثری پرکشش و جذاب است که در کنار آن می‌تواند اطلاعاتی از جریان‌های سلفی تکفیری به دست بیاورند.

مامور ما در هاوانا

این کتاب هجدهمین کتابی است که گراهام گرین نوشته است. این رمان در سال ۱۹۵۸ و در زمانی منتشر شد که زمانه مستعد درگیری و خشونت بود. سال‌های جنگ جهانی دوم به سرعت فراموش می‌شد و یادگار جنگ طولانی (جنگ سرد) به رگ زندگی عمومی مردم جهان سرایت کرده بود.

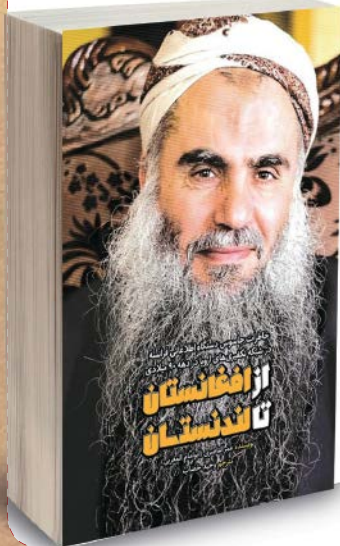
در این میان، گرین با حس شوخ‌طبعی معروفش، یکی از بامزه‌ترین جاسوس‌های زمانه را به خوانندگان خویش معرفی می‌کند. مردی معمولی که دوست دارد وقت خودش را به بطالت و نوشیدن در کوبا بگذراند. کسی که نمایندگی فروش یک برند جاروبرقی را اداره می‌کند هرچند کسب و کارش چندان رونقی ندارد. دختری تازه بالغ دارد با خواسته‌هایی بی‌پایان. این کتاب روایت مردی است که به طور



کاملاً اتفاقی وارد سازمان اطلاعات می‌شود. این مرد که آقای ورمولد نام دارد در خیابان لامپاریلا مغازه‌ای کوچک دارد. آقای ورمولد، دختر جوانی به نام میلی دارد که کاتولیک است و طبق رسوم مذهبی روزهای یکشنبه به کلیسا می‌رود. این مرد طی این داستان که مربوط به دوران پیش از انقلاب کوبا است به عنوان جاسوس مشغول به فعالیت می‌شود و قصه‌ای جنایی و خواندنی می‌سازد. گراهام گرین، رمان‌نویس برجسته انگلیسی داستان این کتاب را براساس سال‌ها فعالیتش در سازمان اطلاعات و امنیت خارجی بریتانیا به نگارش درآورده است. او در این اثر با نگاهی انتقادی، اعتراضش به سیستم جاسوسی انگلستان را بیان کرده و مخاطب را با خود به دنیای جاسوسی کشور کوبا برده است. او با قلم توانایش تجربه زیسته‌اش را در سبک کم‌دی سیاه به داستان پرکشش و هیجان‌انگیز تبدیل کرده و توانسته است فضای نابسامان آن سیستم را به تصویر بکشد.

از افغانستان تا لندنستان

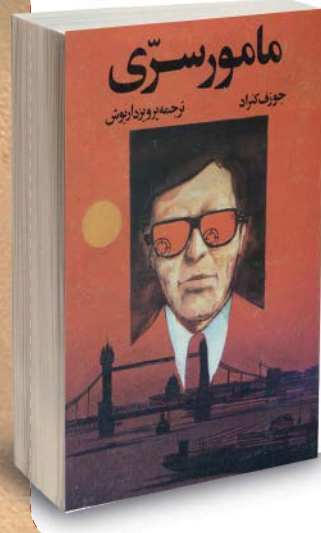
با شکل‌گیری و بعد از آن اوج گرفتن جریان‌های سلفی و تکفیری و اجتماع آنها در غرب آسیا لازم بود پای جاسوس‌ها نیز به این منطقه باز شود، چه کسانی بهتر از آنهایی که با وعده پول به این لباس (تکفیری) درآمده بودند و می‌توانستند از این طریق هم به صاحبان غربی خود خدمت کنند و هم پول کلانی به جیب بزنند. این کتاب روایتی از یکی از همین جاسوس‌هاست. اگر به دنبال «روایتی از درون شبکه‌های تروریستی - تکفیری» یا «روایتی از درون شبکه‌های



نفوذ - جاسوسی اروپایی» هستید، با خواندن این کتاب با یک تیر، هر دو نشان را خواهید زد. این اثر خاطرات عمر الناصری (ابوامام المغربی) است؛ یک جوان اهل مغرب که از کودکی در بلژیک بزرگ شده و بعد از یک زندگی پرفراز و نشیب، به شبکه‌های تکفیری داخل اروپا متصل می‌شود اما در همان زمان بنا به دلایلی دیگر، به عضویت «دستگاه اطلاعات خارجی فرانسه» (DGSE) نیز درمی‌آید. کتاب، شرح جذابی است از زندگی پرماجرایی عمر الناصری، کسی که هم می‌خواست «مجاهد» باشد، هم می‌خواست با «تروریست‌ها» بچنگد؛ کسی که هم از دستگاه‌های اطلاعاتی غربی می‌ترسید و هم برای نجات جان خود به آنها پناه برده بود. شرح این ارتباطات، ماجراجویی‌ها و خطرات سهمگینی که او از سرگذرانده را می‌توانید در این کتاب بخوانید.

مامور مخفی

این اثر را جوزف کنراد در سال ۱۹۰۷ منتشر کرده است. داستان در لندن، سال ۱۸۸۶ اتفاق می‌افتد و به آقای آدولف ورلک و کارش که جاسوسی برای کشور ناگفته‌ای (احتمالاً روسیه) است، مربوط می‌شود. «مامور مخفی» یکی از داستان‌های سیاسی کنراد است که در آن نویسنده از داستان‌های سابقش که در مورد دریانوردی بود، به سمت نوشتن رمان سیاسی حرکت کرد. این رمان در فهرست بهترین کتاب‌های قرن بیستم کتابخانه مدرن رتبه چهارم و ششم را دارد. به علت تروریستی بودن موضوع، این کتاب یکی از سه اثری بود که دو هفته بعد از حملات ۱۱ سپتامبر در مطبوعات



آمریکا در مورد آن صحبت‌های زیادی شد. داستان مامور مخفی مربوط به ماموریت فردی است در لندن که در اوایل قرن بیستم میلادی می‌گذرد، از حادثه واقعی تلاش مردی برای منفجر کردن رصدخانه گرینویچ، الهام گرفته شده و کاوشی چندوجهی درباره انگیزه‌ها و اخلاقیات آدمی است. شخصیت اصلی رمان، آدولف ورلک، هیچ شباهتی با جیمز باند ندارد. در حقیقت او و آشوبگران دور و برش را بیشتر می‌توان تروریست نامید تا جاسوس؛ خرابکارانی که به جای آرمان‌های سیاسی، عواطف آشوب‌طلبانه و تعصب‌های غیرمنطقی را انگیزه خود قرار داده‌اند. ورلک در ظاهر ازدواج موفقی کرده و تشکیل خانواده، پوشش بسیار موجه و خوبی برای او به حساب می‌آید؛ در حالی که همسر ورلک امیدوار است بتواند برای مراقبت از برادر عقب‌افتاده‌اش، استیوی از کسی کمک بگیرد، ورلک از استیوی در یکی از عملیات‌های انفجاری‌اش استفاده می‌کند و همین کار، باعث به وجود آمدن چرخه‌ای از خشونت، قتل و انتقام می‌شود.

برگ سبز و سند کمپانی و انت پیکان مدل
۱۳۸۷ به شماره پلاک ۵۴۶ ط ۵۸ ایران ۱۴ به
شماره موتور 11487019395 و شماره شاسی
NAAA46AA98G022972 به نام حکیم سلیمان
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

برگ سبز خودرو سواری هاچ بک سایپا، مدل ۱۳۹۸، به رنگ سفید
روغنی، به شماره پلاک ۴۵ س ۳۹ - ایران ۴۵ به شماره موتور
M15 8861521 و شماره شاسی NAS841100K1032073
به نام علی شمس‌الدینی با کد ملی ۳۰۵۱۲۰۰۱۶۶ مفقود گردیده و
از درجه اعتبار ساقط می باشد.

نامه فک رهن سواری جک J5 مدل ۱۳۹۵ رنگ
سفید روغنی، شماره موتور 4G93DDAF025468.
شماره شاسی NAKNG7242FB128975 و شماره
پلاک ۸۲۱ ق ۵۶ - ایران ۴۶ به نام فاطمه صابری
برکاده می مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی و کلیه اسناد تاییدیه نقل و انتقال
خودرو: پراید صبا جی تی ایکس مدل: ۱۳۷۸ به رنگ دودی
معمولی شماره انتظامی: ایران ۴۳-۵۲۱ ی ۱۷ شماره موتور:
00129529 شماره شاسی: S1412278608643 به مالکیت:
فرشاد قدیری حاجی آبادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.